

سیدحسین حکیم الگوی اخلاق در طبابت

فرزانه غفاری^۱

مریم رادمنش^۲

محمدتقی حکیم^۳

محسن ناصری^۴

چکیده

با بررسی و مطالعه برگ‌های تاریخ پزشکی کهن در تمدن ایران و اسلام می‌توان دریافت که ایرانیان از همان زمان‌های پیشین به رعایت موازین اخلاقی به ویژه در طب توجه ویژه‌ای داشته‌اند و دانشمندان و حکیمان بزرگی در این سپهر از کهن تاکنون درخشیده‌اند. یکی از حکیمان بزرگ و عالی قدری که در این مسیر خوش درخشیده است سیدحسین حکیم (ره) می‌باشد.

آیت‌ا... حاج سیدحسین حکیم فرزند عالم و عارف نامدار، حاج سیدعلی شوشتری در قرن سیزدهم هجری قمری می‌زیسته است. وی در روزگاران جوانی در نجف به تحصیل علوم و تکمیل دروس فقهی اشتغال یافت و پس از رسیدن به پایه اجتهاد در شوشتر ساکن شد و در همانجا به عنوان امام جماعت یکی از مساجد منسوب شد و به ادای نماز جماعت و خدمت‌رسانی به مردم در امور مختلف مشغول بود. به دنبال درمان برخی

۱. دانشکده طب سنتی و دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران. (نویسنده

Email: ghaffariinfo@gmail.com

مسئول)

۲. دانشکده طب سنتی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.

۳. مدرس حوزه و دانشگاه، تهران، ایران.

۴. مرکز تحقیقات کارآزمایی بالینی طب سنتی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران.

بیماران بر اساس دستورات پزشکی ابن سینا در کتاب قانون و نیز مهارت و استعداد ذاتی و خدادادی و ذکاوت سیدحسین حکیم در زمینه طب بالینی و تجربی و بنا به درخواست برخی اطباء معروف دزفول از جمله سیدعلی طبیب و همچنین استقبال چشمگیر و رضایت مردم از ایشان در این امر، این حکیم فرزانه به امر طبابت اشتغال یافت.

از ویژگی‌های شاخص این حکیم توانا، منش اخلاقی و رفتاری والای ایشان در تعامل با مردم و در امر طبابت و درمان بود به طوری که نیکی‌های اخلاقی و رفتاری وی سال‌ها پس از درگذشت ایشان همچنان بر سر زبان‌ها جاری بود.

هدف از این مطالعه، معرفی سیدحسین حکیم به عنوان طبیبی توانمند و الگویی ارزشمند در عرصه اخلاق پزشکی و به عنوان خادمی دلسوز برای مردم در حوزه طبابت و درمان است.

واژگان کلیدی

تاریخ پزشکی ایران و اسلام، اخلاق پزشکی، سیدحسین حکیم

مقدمه

طب و اخلاق پزشکی در ایران از سابقه‌ای طولانی برخوردار بوده است. از خلال صفحات تاریخ ایران باستان چنین مستفاد می‌گردد که حتی در مکتب زرتشت یا مزدیسنا که خیلی پیشتر و زودتر از مکاتب طبی یونان در گیتی وجود داشته، امر طبابت در ایران با دیانت همراه بوده است. (نجم‌آبادی، ۱۳۷۱ ش.)

پیوستگی اخلاق و علم در حوزه‌های مختلف دانش، به عنوان یک اصل مهم و مسلم برای ارتقای مادی و معنوی بشر همواره مطرح بوده است. در قلمرو علوم تجربی، خصوصاً علم طب نیز از دیرباز اخلاق، جزئی جدایی‌ناپذیر از آن محسوب می‌شده و عالمان طب در کنار پرداختن به مسائل پزشکی و توصیه‌های دارویی، به توصیه‌های اخلاقی نیز توجه داشته، چنانکه ادیان و آموزه‌های مذهبی نیز در شکل‌گیری اخلاق پزشکی در جوامع گوناگون، نقش بی‌بدیلی داشته است. دانشمندان اسلامی خصوصاً در دوران شکوفایی علوم در تمدن اسلامی به اخلاق در طب توجه ویژه‌ای نموده‌اند و آن در رساله‌ها و کتب اندیشمندان آن روزگار به خوبی هویدا است. (لاریجانی، ۱۳۸۳ ش.)

یکی از حکمای ارزشمند و اطبای بزرگ که در قرن سیزدهم هجری قمری می‌زیسته و در گذر اخلاق و دانش پزشکی کهن بسیار کوشیده، آیت‌ا... حاج سیدحسین حکیم (۱۲۴۶-۱۳۰۵ ق.) می‌باشد.

این فقیه عالیقدر که از علمای بزرگ دین بوده به سبب علاقه وافر و استعداد خدادادی جهت خدمت‌رسانی بیشتر به مردم، بنا به سفارش برخی بزرگان طب به امر طبابت روی می‌آورد و گام‌های بلندی در این عرصه برمی‌دارد. معرفی این حکیم اخلاق‌مدار در پهنه تاریخ طب سنتی ایران می‌تواند اهمیت به‌سزایی داشته باشد. (غفاری و همکاران، ۱۳۸۷ ش.)

در این مقاله برآنیم علاوه بر شرح حال مختصری از زندگی حاج سیدحسین حکیم به ذکر برخی از ویژگی‌های اخلاقی و شیوه‌های درمانی ایشان به عنوان الگویی ارزشمند در عرصه اخلاق پزشکی در بازه زمان معاصر بر اساس مستندات به دست آمده بپردازیم.

شرح حال سیدحسین حکیم

آیت‌ا... حاج سیدحسین حکیم فرزند عالم و عارف نامدار، حاج سیدعلی شوشتری^۱ و از زادگان حاج سیدنعمت‌اله جزایری^۲ در سال ۱۲۴۶ قمری در نجف اشرف به دنیا آمد. مرحوم حاج سیدعلی فقط دو پسر داشته‌اند، یکی سیدعیسی که در جوانی بدون داشتن فرزندی درگذشت و دیگری سیدحسین حکیم که فقیه‌ی ادیب بود، اما به واسطه دارابودن علم طب، فقاقت او تحت تأثیر طبابت وی قرار گرفت، زیرا در فن طبابت مهارت و توانایی بی‌نظیری داشته و نخستین نفر از این خاندان بوده که به حکیم مشهور گردیده و این لقب تاکنون در فرزندان و نوادگان او باقی مانده است.

حاج سیدحسین از هنگام کودکی در محضر پدر فاضل و دانشمندش شاگردی کرد و در روزگاران جوانی به تحصیل علم و تکمیل دروس فقه اشتغال یافت و پس از رسیدن به درجه اجتهاد در شوشتر^۳ ساکن شد و به امامت یکی از مساجد آنجا درآمد. وی علاوه بر ادای نماز جماعت در مسجد، به مردم نیز در امور مختلف خدمت‌رسانی می‌کرد. داستان طبابت سیدحسین حکیم از آنجا آغاز می‌شود که پسر عموی ایشان سیدعبدالصمد مجتهد که با وی از نظر سنی نزدیک بوده است، بیماری صرع^۴ داشته و به این سبب پدر بزرگوارشان سیداحمد، برای معالجه او طبیبی حاذق به نام سیدعلی طبیب را از دزفول به شوشتر دعوت می‌کند.

سیدعلی طبیب در معالجه بیمار علاوه بر دانش و تجربه شخصی، به برخی کتب از جمله قانون ابن سینا^۵ مراجعه می‌کند که کامل‌ترین کتب بوده است و چون آشنا به زبان عربی نبوده به ناچار از حاج سیدحسین که مسلط به ادبیات عرب و متون طبی کهن بود، می‌خواهد که باب معالجات کتاب قانون^۶ را در رابطه با صرع برای او بخواند و ترجمه کند. سیدحسین نیز آن بخش را خوانده و به سبب مهارتی که داشته آن را شرح و معنا نموده و به خوبی توضیح می‌دهد. استاد سیدعلی طبیب از بیانات شیوا و توضیحات مفصل سیدحسین حکیم متعجب می‌شود و بعد از اتمام مراحل درمان بیماری صرع سیدعبدالصمد از شوشتر راهی دزفول می‌شود و از آن پس مردم شوشتر را ترغیب می‌نماید تا برای معالجه خود، نزد حاج سیدحسین بروند. وی خطاب به سیدحسین چنین می‌گوید: «آقا سیدحسین، تو با این علم، حافظه، ذکاوت، تشخیص صحیح و مهارتی که در فهم عبارات و استخراج مطالب از قانون ابن سینا که از مشکل‌ترین کتاب‌های طب است داری، اگر اقدام به معالجه بیماران نکنی، هرکس از آنان که بمیرد، تو هم در این امر مقصر خواهی بود، چراکه در شوشتر طبیب حاذق و عالمی نیست.» (حکیم، بی تا)

وقتی این خبر، یعنی توصیه سیدعلی طبیب به سیدحسین حکیم در امر طبابت و تأیید چیرگی ایشان در تشخیص و درمان به گوش مردم می‌رسد اغلب برای درمان نزد او می‌روند. سیدحسین هم با توجه به استعداد ذاتی و خدادادی و با توجه به آگاهی‌اش از علوم و کتب قدیمی، مردم را راهنمایی می‌کرد. پس از چندی خبر طبابت حاج سیدحسین حکیم به گوش پدر ایشان، حاج سیدعلی شوشتری در نجف اشرف می‌رسد و ایشان بی‌درنگ نامه‌ای برای فرزند خود ارسال و وی را به شدت از طبابت منع می‌نماید، چراکه ایشان به این حکم فقهی واقف بوده‌اند که: «کسی که بدون [تخصص و] سابقه‌ای در درمان، به طبابت بپردازد، [شرعاً] «ضامن» است.» (مجلسی، بی تا)

پس از این ممانعت سیدحسین حکیم به طور کامل دست از طبابت برداشته و همواره از آن طفره می‌رفت. اغلب روزها قبل از این که مردم به خانه‌اش سرزیر شوند از خانه خارج شده و به بقاع‌الخیر و مراقد شریفه امامزاده‌ها می‌رفت و در آنجا علاوه بر خواندن قرآن و ادعیه و پیراستن نفس به مطالعه کتاب‌های طبی قدیم از جمله قانون ابن سینا می‌پرداخت تا به توسعه دانش پزشکی خود بیفزاید. در واقع سیدحسین حکیم با این کار سعی می‌کرد تا مدتی از انظار عمومی دور باشد. ایشان همچنین برای معالجه خویش که در آن وقت مبتلا به صرع بود و مکرر هم بر وی عارض می‌شد و نیز برای درمان خواهر مکرمه، عابده و زاهده‌اش که اولاد بر او نمی‌شد و اگر هم می‌شد نمی‌ماند، به کتاب‌های طب مراجعه کرده و به سبب چیرگی و مهارتی که در فن طب از سوی خداوند متعال به او ارزانی شده بود، علاوه بر بیماری خود، بیماری خواهر را نیز درمان نموده بود.

این اخبار همچنان به گوش مرحوم پدر، حاج سیدعلی در نجف می‌رسید تا این که در روزگاری پدر نیز به بیماری سختی مبتلا شد و اطبای بزرگ نجف در درمان بیماری ایشان عاجز ماندند. حاج سیدعلی به فرزندش سیدحسین حکیم نامه نوشت و از وی خواست که برای درمانش به نجف سفر کند. سیدحسین حکیم وقتی پدرش را معاینه کرد، متوجه شد اطبا در تشخیص بیماری او به خطا رفته‌اند. از این رو خود اقدام به تهیه دارو نمود و با درمان مختصری، پدر بهبود یافت. حاج سیدعلی شوشتری با مشاهده چیرگی و توانمندی فرزندش در تشخیص و درمان از آن پس به ایشان اجازه داد که به امر طبابت و درمان مردم در شوشتر ادامه دهد و بدین ترتیب سیدحسین حکیم تا زمان درگذشت خود در سال ۱۳۰۵ قمری در عرصه پزشکی به مردم خدمت‌رسانی کرد. (حکیم، بی تا)

برخی سلوک رفتاری حاج سیدحسین حکیم در حوزه طبابت

قبل از ورود به بحث اصلی که در پیوند با شیوه طبابت سیدحسین حکیم و روش درمانی ایشان که بر پایه توکل به خداوند متعال و توجه به سلامت معنوی بیمار بود، جای آن دارد که در مقدمه به بخشی از مطالب ارزشمند استاد فرزانه، جناب آقای دکتر فریدون عزیزی^۶ در حوزه سلامت معنوی و اهمیت آن در درمان بیماران که شاید به گونه‌ای مؤید روش درمانی سیدحسین حکیم باشد اشاره گردد: (عزیزی، ۱۳۹۴ ش.)

«آموزش طب کنونی فقط به جسم و به میزان کم‌تری به روان و مسائل اجتماعی می‌پردازد و ارتباطی با بُعد معنوی انسان برقرار نمی‌کند، پس هم بعدهای سلامت بیماران را به طور کامل بررسی نمی‌کند و هم در مراقبت‌های پزشکی، سلامت کامل را برای انسان‌ها تأمین نمی‌کند، چون منشأ بسیاری از نارضایتی بیماران، افراد جامعه و نیز خود پزشکان از مراقبت‌های بهداشتی درمانی را می‌توان در این نکته جستجو کرد. شواهد علمی جدید که در قالب نگارش و انتشار مقاله‌های تحقیقاتی و کتاب‌های ارزنده علمی عرضه شده، ارتباط تنگاتنگ و تأثیرگذار سلامت معنوی با دیگر بُعدهای سلامت، یعنی سلامت جسمی، سلامت اجتماعی و سلامت روانی را به وضوح نشان می‌دهد و همچنین سبب شده است مؤسسه‌های پزشکی [در کشورهای مختلف] به در نظر گرفتن سلامت معنوی در آموزش پزشکی مراقبت‌های بهداشتی - درمانی رو کنند... بررسی نشان داده ۷۷٪ بیماران نیاز دارند که به سلامت معنوی آن‌ها در مجموعه مراقبت‌های پزشکی توجه شود، ولی مطالعه دیگری گزارش داده که ۵۲٪ پرستاران با بیماران خود دعا نمی‌کنند. ۶۶٪ به هیچ‌وجه با مسائل مذهبی و معنوی بیمار آشنا نیستند و بیشتر آن‌ها توکل به خداوند را با بیماران خود در میان نمی‌گذارند.»

آنچه که می‌توان از سلوک اخلاقی حاج سیدحسین حکیم (ره) بر اساس مستندات موجود بیان کرد آن است که وی اهل عبادت، اطاعت، تقوا، تهجد و نماز شب بود و در معالجاتش همواره بر خداوند متعال توکل می‌کرد و پس از تشخیص بیماری و تجویز دارو از خداوند طلب می‌نمود که آن مریض را شفا دهد. طمعی به مال بیماران نداشت و از فقرا چیزی نمی‌گرفت و بسیاری از فقیران را که توانایی مالی برای مداوا نداشتند، از دارایی خویش به ایشان می‌داد یا خود برای آن‌ها دارو تهیه می‌کرد.

به بیماران و اطرافیانشان امید و اطمینان خاطر می‌بخشید و هر قدر هم بیماری آن‌ها سخت و صعب‌العلاج بود با آن‌ها با آرامش و مهربانی برخورد می‌نمود و در نظر ایشان آن بیماری را آسان و راحت و سهل‌العلاج می‌نمود. هرگاه اطرافیان بیمار غمگین و نگران بودند و شوریدگی خاطر داشتند، با خوشرویی و حسن خلق و آرامش با آن‌ها سخن می‌گفت و به آن‌ها امیدواری و اطمینان خاطر می‌داد به طوری که آن‌ها شاد و امیدوار می‌شدند.

با اندک داروی سهل، کم‌هزینه و قابل دسترس و در کوتاه‌ترین زمان، بیماران را مداوا می‌نمود. شب و روز نزد او یکسان بود. هر وقتی از شب یا روز بیماری مراجعه می‌نمود دست رد به سینه او نمی‌زد و اگر شبانه او را از خواب بیدار می‌کردند هرگز تندخویی نمی‌کرد و با مهربانی شروع به درمان بیمار می‌نمود.

اگر بیماری در شب، بیماری‌اش شدت می‌یافت یا حالی داشت که تأخیر در درمان او تا صبح، زیان‌آور بود، به محض اطلاع‌یافتن فوراً بر بالین بیمار حاضر می‌شد و او را درمان می‌کرد و در آنجا می‌ماند تا دارو را حاضر کنند و خود آن دارو را به بیمار می‌داد. در مدت حضور در آنجا، با خوش‌رویی و خوش‌زبانی و نقل

حکایات نغز و مزاح‌آلود اطرافیان بیمار را سرگرم می‌کرد و وقتی می‌دید که بیمار تسکین یافته و اطرافیانش آسوده و مسرور گشته‌اند، باز می‌گشت.

هرگز مردم را معطل و خسته نمی‌کرد، بیمارانی را که مرض آسان و سبک داشتند با ارائه دستورات لازم یکی پس از دیگری مرخص می‌کرد و از بیماران صعب‌العلاج می‌خواست تا آخر وقت بمانند تا دوباره با دقت و درنگ بیشتری معاینه شوند. برای عیادت بیمارانی که از آمدن ناتوان بودند، حتی اگر در مکان‌های دور و خارج از آبادی بودند، پیاده می‌رفت و از سوارشدن بر مال امتناع می‌ورزید، حتی در اواخر عمر که پاهایش به شدت ضعیف و بی‌قوت شده بود، باز هم پیاده می‌رفت. همه دستورات دارویی را به وضوح و با بیان روشن، چندین بار به همراهان بیمار توضیح می‌داد تا مبدا اشتباه یا فراموشی سرزند یا این‌که سهواً در آن تغییر و تبدیل ایجاد کنند. (حکیم، بی تا)

خاطراتی از شیوه‌های درمانی و ویژگی‌های اخلاقی سید حسین حکیم

آیت الله سید علی اصغر حکیم



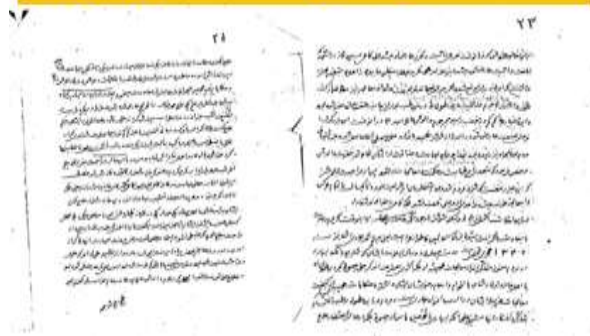
مؤلف کتاب شجره سادات جزایری

مرحوم حجت‌الاسلام آقا سیدعلی اصغر حکیم^۸ در کتاب «شجره سادات جزایری»^۹ در احوال پدر خویش سیدحسین حکیم چنین نوشته است:

۱- از آنجایی که گاهی بنده روسیاه پرگناه، شب‌ها نزد ایشان می‌رفتم، یک بار حاج محمد بقال مبتلا به بیماری قولنج^{۱۰} شده بود و به شدت فریاد می‌زد، نیمه شب به سراغ پدرم آمدم و ایشان را از خواب بیدار کردند و من در جوار پدر، نزد ایشان رفتم. آبوی برای درمان او دستوراتی دادند که همه آن‌ها را انجام دادند و در اندک زمانی درد او کاهش یافت و سپس آرام شد. بلافاصله در رختخوابش نشست و به نقل داستان و حکایات برای ما پرداخت. خود و اهل خانه‌اش همه شاد شدند و ما نیز به منزل بازگشتیم. پدر با آبی که برایش گرم کرده بودم وضو ساخت و مشغول تهجد و نماز شب شد؛

۲- همیشه پیش از آنکه آفتاب بزند بیماران به منزل پدر می‌آمدند. گاهی کم و گاهی بسیار بودند. بعضی وقت‌ها علاوه بر خانه، دالان و کوچه نیز پر از بیمار می‌شد. مرحوم پدر پس از تعقیب نماز، داخل خانه شده و مشغول درمان بیماران می‌شد. در مدت بسیار اندک، دستورات و توصیه‌های لازم را به آن‌ها داده و آن‌ها را مرخص می‌کرد، ولی درمان افرادی که بیماری سخت و پیچیده‌ای داشتند را به تأخیر می‌انداخت و می‌فرمود: «تو بمان تا آخر وقت که خوب تو را معاینه کنم و از مزاجت^{۱۱} مطلع شوم تا مبادا اشتباهی صورت پذیرد» و پس از مرخص کردن آن‌ها به عیادت بیمارانی می‌رفت که از آمدن یا آوردن ایشان عاجز بودند. (حکیم، بی تا)

نسخه خطی شجره سادات جزایری



آیتا... سیدمحمدتقی حکیم^{۱۲} درباره شیوه طبابت ایشان چنین نقل می‌کند: «از آنجایی که خداوند یک حالتی به طبیب می‌دهد که از علم روانشناسی هم آگاهی داشته باشد، حاج حسین حکیم وقتی که تشخیص می‌داد که بیماری فرد جدی نیست و بیشتر جنبه روحی و روانی دارد، به بیماران دستور دارویی نمی‌داد، بلکه می‌گفت: شما نماز امام زمان یا نماز جعفر طیار بخوانید یا شب‌های جمعه دعای کمیل بخوانید، حالتان خوب می‌شود یا عادت کنید که نمازتان را اول وقت بخوانید. در واقع معالجاتش فقط با تجویز دارو نبوده است.

قبل از سال ۱۳۴۰ هجری شمسی در اهواز پیرمردی معروف به حاج نصراله سنگ‌تراش برای بنده نقل کرد که من جد شما حاج‌آقا حسین حکیم را وقتی کودک بودم دیده‌ام. چون من در کودکی بسیار تب می‌کردم و هرچه مادرم نزد طبیب محله‌مان می‌برد، حالم خوب نمی‌شد و تب از بدن من خارج نمی‌شد. از این رو یک روز مادرم گفت: تصمیم دارم تو را به آن محله نزد حاج سیدحسین حکیم ببرم تا تو را درمان کند. وقتی خدمت ایشان رفتیم مادرم شرح حالم را گفت، حاج سیدحسین فرمود: معالجه پسر شما این است که شما نیم‌ساعت در اندرونی بنشینید و منتظر بمانید تا شروع کنند به پختن نان (در قدیم نان را در

خانه‌ها می‌پختند)، من به آن‌ها سفارش می‌کنم که یک قرص نان داغ و تازه را از روی تابه برداشته و به فرزند شما بدهند تا داغ‌داغ بخورد، وقتی نان را خورد، همانجا که نشسته عرق زیادی می‌کند، او را به منزل برده و بدنش را می‌شوید و لباس‌هایش را عوض می‌کنید، او دیگر تب نمی‌کند. مادرم گفت: جناب حکیم آیا دارویی برای مصرف او نمی‌دهید؟ فرمود: دارو همان است که گفتم. آن‌ها یک قرص نان را گرماگرم از روی تابه برداشته، به من دادند و من که ناشتایی نخورده بودم، آن را خوردم و عرق زیادی کردم. مادرم بدنم را شستشو داد و لباس‌هایم را عوض کرد و من دیگر سالم خوب شد. سیدحسین حکیم از این نوع حالات بسیار داشته‌اند و این‌گونه معالجات از جانب ایشان در شوشتر بسیار معروف است.»

آیت الله سیدمحمدتقی حکیم همچنین درباره تیم پزشکی سیدحسین حکیم که همواره در مراحل درمان ایشان را همراهی می‌کردند می‌فرماید: «درباره جدم سیدحسین حکیم نقل شده است که یک گروه دوازده نفره به عنوان تیم پزشکی همواره با ایشان همراه بوده‌اند که آن‌ها همه‌جا با هم می‌رفتند. یک نفر کارشناس مرهم‌گذاری، یک نفر کارشناس کوبیدن دارو، یک نفر کارشناس تهیه کل دارو و... در واقع هر یک از این دوازده نفر عهده‌دار کاری بوده‌اند که پس از اخذ دستور از حاج آقا سیدحسین حکیم اقدام به تهیه و ساخت دارو می‌نمودند.»^{۱۳ ۱۴}

نتیجه‌گیری

طب و اخلاق پزشکی در ایران از سابقه‌ای طولانی برخوردار بوده است و از روزگاران قدیم، امر طبابت در ایران با دیانت همراه بوده است. در آثار دانشمندان دوره اسلامی نیز، فصل‌هایی درباره اخلاق پزشکی و ویژگی‌های یک طبیب کارآمد و اخلاق مدار به وضوح مشهود است. یکی از حکیمان عالیقدر و اطبای با اخلاق و متدین دوران معاصر، آیت... حاج سیدحسین حکیم می‌باشد. ایشان که از علمای بزرگ دین بود، در امر خطیر طبابت نیز به مردم خدمت‌رسانی می‌نمود و به سبب استعداد خدادادی و علاقه وافر به حرفه پزشکی و توفیقات به دست آمده در این حوزه و نیز به سبب رعایت موازین اخلاقی در تعامل با بیماران موفقیت‌های زیادی به دست آورد.

مطالعه و تحقیق در احوال مرحوم آیت... حاج سیدحسین حکیم در قرن حاضر، علاوه بر این که می‌تواند گامی مهم در جهت معرفی حکیمان ناشناخته در عرصه فرهنگ و تمدن ایرانی و اسلامی به شمار آید. همچنین می‌تواند نشان‌دهنده زحمات ارزشمند این حکیم توانا در خدمت‌رسانی به مردم باشد، این که چگونه ایشان توانست با بهره‌گیری از اخلاق و دیانت در امر طبابت به موفقیت‌های زیادی نائل آید و نکته مهم آنکه نام ایشان به عنوان الگویی ارزشمند در عرصه اخلاق پزشکی به یادگار بماند.

پی‌نوشت‌ها

۱. عارف کامل، فقیه زاهد و استاد فرزانه حاج سیدعلی شوشتری در سال ۱۲۲۲ قمری در شوشتر متولد شد، پدر ایشان حاج سیدمحمد که اهل علم و از بزرگان زمان خود بود با علم و مال خود که هر دو را به نحو شایسته‌ای داشته، خدمت به خلق می‌نموده است و یگانه برادر ایشان، حاج سیداحمد بوده که از حاج سیدعلی بزرگ‌تر و در مراتب کمال و حُسن سیرت و خدمت به خلق ممتاز بوده است. حاج سیدعلی شوشتری در ابتدای جوانی برای تحصیل علم و راهیابی به کمال، عازم نجف اشرف گردید. وی بعد از تکمیل تحصیل و اخذ درجه اجتهاد و کسب اجازه از علمای نجف به دیار خود بازگشت و به امر قضا، حل مشکلات مردم و تدریس پرداخت. ایشان و برادرشان حاج سیداحمد علاوه بر جنبه علمی از لحاظ مالی هم توانا بوده‌اند، لذا با کمال مهربانی در حل مشکلات معنوی و مادی مردم کوشا بوده‌اند. موقعیت اجتماعی این دو برادر در شوشتر آن‌چنان بوده که طبقات مختلف مردم، بزرگان شهر و حاکمان منسوب از مرکز که به شوشتر می‌آمدند، برای عرض ارادت خدمت این دو بزرگوار می‌رسیدند و از نصیحت‌ها و راهنمایی ایشان بهره می‌بردند. در ذکر مرتبه‌های بزرگی و عظمت حاج سیدعلی شوشتری همان بس که بسیاری از بزرگان ادب و اخلاق و عرفان در قرن گذشته از جمله شیخ انصاری (ره) (۱۲۱۴ ق.) و ملاحسینقلی همدانی (۱۲۳۹ ق.) و ملافتح‌اله وفایی (۱۳۰۳ ق.) از محضر ایشان بهره برده و در کلاس‌های درس عرفان و اخلاق ایشان حضور داشته‌اند. کمالات معنوی وی به حدی بوده است که شخصیتی مانند شیخ انصاری هفته‌ای یک بار برای استفاده از محضر نورانی و پرفیض او در جلسه اخلاقی سید حاضر می‌شدند. وی پس از عمری مجاهده و تحمل رنج مبارزه با نفس، در حدود سال ۱۲۸۱ قمری در نجف اشرف به دیدار معبودش شتافت. ایشان را در صحن مطهر علوی مقابل مقبره شیخ انصاری به خاک سپردند. (امین عاملی، ۱۴۰۳ ق.، ج ۸، ص ۳۱۶)

۲. جزایری، سیدنعمت‌اله، فقیه، محدث و ادیب امامی قرن یازدهم و دوازدهم می‌باشد. وی سر سلسله خاندان مشهور علمی و دینی سادات جزایری بود که سه قرن در منطقه خوزستان، به ویژه شوشتر، خدمات ارزنده‌ای کردند. نسب آن‌ها به عبدالله بن موسی بن جعفر، فرزند امام کاظم (ع) می‌رسد. بزرگ‌ترین فرزندِ پسرِ سیدنعمت‌اله، سیدنورالدین بود که نسب عموم سادات جزایری به وی می‌رسد. از این رو آنان به سادات نوریه نیز مشهورند. سیدنعمت‌اله جزایری کتابی با عنوان مُسکن الشُّجُون فی حکم الفرار من الطاعون نوشته که در آن به شرح بیماری طاعون و شیوع آن در بغداد، جزایر و حویزه پرداخته است. (جزایری، ۱۳۹۷ ق.، ج ۱، ص ۲۲)

۳. امروزه شهرستانی است در خوزستان، واقع در مغرب مسجد سلیمان که مرکز آن شهر شوشتر است. در عهد قاجاریه شوشتر کرسی خوزستان محسوب می شده است. (معین، ۱۳۷۴ ش.، ج ۵، ص ۹۳۲)
۴. اگر آدمی بناگاه زمین افتد و به خود بپیچد و آشفته و پریشان باشد و خرد را از دست دهد. می گوئیم: دچار بیماری صرع است. (رازی، ترجمه ذاکر، ۱۳۸۷ ش.، ص ۴۳۵)
۵. کتابی است در طب به عربی و آن مفصل ترین کتاب طبی ابن سینا است و سالها در مملکت های اسلامی و اروپایی تدریس می شده است. (معین، ۱۳۷۴ ش.، ج ۶، ص ۱۴۳۴)
۶. در باب معالجات کتاب قانون بوعلی سینا درباره بیماری صرع که در زمره بیماری های سر می باشد، مباحث مفصلی آمده است که در آن به شرح انواع، علل و روش درمان این بیماری پرداخته شده است. همچنین در مبحثی با عنوان «فصل فی الصرع» صفحه های ۲۹۲ تا ۳۰۴ از جلد دوم کتاب «القانون فی الطب» به این موضوع اشاره شده است. (ابن سینا، ۴۲۶ ق.، ج ۲، صص ۳۰۴-۲۹۲)
۷. دکتر فریدون عزیزی: معاونت محترم علمی فرهنگستان علوم پزشکی جمهوری اسلامی ایران و ریاست پژوهشکده علوم غدد درون ریز و متابولیسم، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.
۸. حجت الاسلام سیدعلی اصغر حکیم فرزند سیدحسین حکیم است. وی همواره همراه پدر گرامی خود بوده و خاطرات ارزشمندی از ایشان نقل نموده است.
۹. شجره سادات جزایری: این کتاب که به خط حجت الاسلام سیدعلی اصغر حکیم می باشد هم اکنون به صورت نسخه خطی نزد آیتا... محمدتقی حکیم محفوظ است که بخش مربوط به زندگی سیدحسین حکیم توسط نویسنده مسؤول مقاله تایپ و تدوین شده است.

متن تصحیح و تایپ شده نسخه خطی

* اوراق از شجره سادات جزایری بقلم مرحوم حجه الاسلام آقا سید علی اصغر حکیم که در احوال والد خود حاج آقا سید حسین حکیم نوشته است (۴ برگه) ولادت حاج سید حسین ۱۲۴۶ هجری قمری، وفات ۱۳۰۵ هجری قمری.

مرحوم والد ایام جوانی، اشتغال به تحصیل علوم و تکمیل مراتب علم فقه و مقدمات آن داشته و از ائمه مساجد بود چنین اتفاق شد که پسر عمش مرحوم عم احمد حاج سید عبد الصمد مجتهد که قریب السن وی بود صریحی داشت و در آن وقت در دفتر طبیب حائقی نبود لهذا مرحوم برورغم اکرم اعظم اجند حاج سید احمد والد وی، سید علی طبیب را از دفتر طبیب برای معالجه چون وارد دفتر شد اشتغال به معالجه نمود و رجوع بکتب طب می کرد برای معالجه از آن جمله کتاب قانون نیخ الریس که احسن و قیّد و اجمع و ارفع و اعلى و اجلى از جمیع کتب متأخرین است در طب و چون عربی است و سید علی مرتوم از سواد عربی بی بهره بود لاجرم مرحوم والد الحاج سید حسین معظم الیه از برای او از کتب مذکور بی خوانند از معالجات صرع و برای او شرح و معاد توضیح می نمود سید علی از بیانات او تعجب می کرد تا آن وقت که بعد از معالجه مصروع مذکور از شوشتر به دفتر رجعت نمایند مردم را ترغیب کرد به رجوع کردن در معالجات به مرحوم والد و او را نیز اثر و تکلیف نمود به طبابت و به او نیز گفت به همین عمارت که آقا سید حسین تو با این علمی و ذهنی و ذکا و لطافت و مهارتی که در فهم عمارت و معانی و استخراج مطالب از کتاب قانون که مشکوّنین کتب طب است و از اذهان کبری پیدا است، داری مع دلگه اگر معالجه مرضی کنی هر کس از مرضی بعیرد خون او به گردن تو است چرا که در شوشتر طبیب حائقی علمی نیست این مطالب گوش زد مردم شده از اطراف رجوع به او نمودند و مرحوم والد از دخول در امر طبابت و مباشرت علاج امتناع مینمود و کمال تحاشی را داشت تا آن که این خیر رسید به مرحوم والدش یعنی الحاج سید علی در تحت اشرف از آنجا نوشت به مرحوم والد به مع شنیدن از طبابت کردن و مردم منت نمی شدند لاجرم والد از ایشان عفره نمود و غالب روزها را در خانه نمی ماند بلکه در مقام الخیر و مرفقه شریفه امزادها که در میان نظریا دیرین در حوالی نهر بودند می رفت در آنجاها مخفی می شد و در آن مدت اشتغال به مطالعه کتب داشت.

۱۰. قولنج بیماری روده‌ای است که در روده‌های قولون به سبب وجود بلغم غلیظ و باد غلیظ عارض گردیده یا به علت خشکی و ثقل که ناشی از خوردن غذای خشک و کمی آب می‌باشد حادث می‌شود. (نورانی، ۱۳۸۴ ش، ج ۶، ص ۱۲۳)
۱۱. مزاج، کیفیتی است که در نتیجه کنش و واکنش بین کیفیت‌های متضاد عناصر به وجود آید و آن هنگامی است که این واکنش متقابل به اندازه مقتضی متوقف گردد. (ابن سینا، ترجمه مسعودی، ۱۳۸۶ ش، ص ۳۰۱)
۱۲. آیت... حاج سیدمحمدتقی حکیم از نوادگان حاج سیدحسین حکیم بوده و با دو واسطه به آن مرحوم می‌رسد. در طول سال‌های متمادی امام جماعت مسجد حصار بوعلی شمیران بود، ایشان واقف کتابخانه عمومی آیت... محمدتقی حکیم است که تنها کتابخانه تحت پوشش آستان قدس رضوی در پایتخت می‌باشد. (روزنامه همشهری، ۲۹ آذر ۱۳۹۳ ش، شماره ۶۴۲۷)
۱۳. در تاریخ ۸۷/۱۰/۲۶ مصاحبه‌ای با نواده محترم سیدحسین حکیم، استاد ارجمند آیت... سیدمحمدتقی حکیم توسط نویسنده مسؤول انجام و سپس متن مصاحبه تایپ و تنظیم شد. با توجه به اهمیت این مصاحبه که از معدود مستندات موجود از زندگانی سیدحسین حکیم به شمار می‌آید، اقدام به نقل مطالبی از این مصاحبه در این مقاله شده که به سبب طولانی‌بودن مطالب فقط به بخشی از آن‌ها بسنده شده و متن کامل در فرصت مناسب دیگر چاپ خواهد شد.
۱۴. حکیم، استخراج از متن مصاحبه مورخ ۱۳۸۷

متن مصاحبه با آیت الله محمد تقی حکیم



* متن مصاحبه با آیت... سید محمد تقی حکیم
پیرامون جدانشان حاج سید حسین حکیم

حضرت آیت... حاج سید حسین حکیم (ه.ق ۱۳۰۵-۱۳۴۶) از اولاد حاج سید نعمت... جزایری بوده و پدر او عارف و عالم شهر حاج سید علی شوشتری می‌باشد، بنده سید محمد تقی حکیم فرزند آیت... حاج سید احمد حکیم به دو واسطه به ایشان می‌رسم. پدر بنده حاج سید احمد بوده، پدر ایشان حاج سید علی اکبر و پدر ایشان حاج سید حسین طیب می‌باشد، که در سابق طیب را حکیم می‌گفتند و ایشان معروف شدند به حکیم.

در ذکر مراتب بزرگی و عظمت حاج سید علی شوشتری همان بس که در قرن اخیر همه عرفا و بزرگان ادب و اخلاقی از کلاسهای درس ایشان بهره‌مند می‌شدند، از جمله شیخ انصاری (ره) که مرجع تقلید همه در دوره خود بودند، از شاگردان با واسطه ایشان علامه طباطبائی (ره) بود، کف فیه، مفسر، عالم ربانی، عارف، اهل سیر و سلوگ و اخلاقی و معنویت بودند، بطوری که استاد سیر و سلوگ ایشان حاج علی آقا قاضی تبریزی بودند و استاد ایشان در سیر و سلوگ و عرفان حاج سید احمد کربلائی و استاد عرفان و سیر و سلوگ ایشان ملا حسینی همدانی و استاد سیر و سلوگ و عرفان و اخلاقی ایشان حاج سید علی شوشتری در نجف بودند.

فهرست منابع

- ابن سینا. (۱۴۲۶ ق.). *القانون فی الطب*. بیروت: انتشارات دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، صص ۲۹۲-۳۰۴.
- ابن سینا، (۱۳۸۶ ش.). *قانون در طب*. مترجم علیرضا مسعودی، کاشان: نشر مرسل، ص ۳۰۱.
- امین عاملی، م. (۱۴۰۶ ق.). *اعیان الشیعه*. بیروت: انتشارات دارالتعارف، ص ۳۱۶.
- جزایری، م. (۱۳۹۷ ق.). *شجره مبارکه یا برگی از تاریخ خوزستان: در بیان انساب و احوال سادات نوریه خاندان جزائری و بزرگان خوزستان و اهواز*. ص ۲۲.
- حکیم، ع-ا. (بی تا). *شجره سادات جزایری (از اسناد مخطوط در نزد آیت... سیدمحمدتقی حکیم)*. ص ۲۴.
- حکیم، ع-ا. (بی تا). *دست‌نوشته‌ها، تلخیص مصاحبه با آیت... محمدتقی حکیم (۱۷/۱۰/۲۶)*.
- رازی، م. (۱۳۸۷ ش.). *ترجمه المنصوری فی الطب*. مترجم: محمدابراهیم ذاکر، تهران: دانشگاه علوم پزشکی تهران، ص ۴۳۵.
- روزنامه همشهری، ۲۹ آذر ۹۳، شماره ۶۴۲۷.
- عزیزی، ف. (۱۳۹۴ ش.). *پاسخگویی به بعدهای چهارگانه سلامت. مجله پژوهش در دین و سلامت*. دوره اول، شماره سوم، ص ۱.
- غفاری، ف. حکیم، م-ت. ناصری، م. (۱۳۸۷ ش.). *سیدحسین حکیم الگویی شایسته در عرصه اخلاق پزشکی*. نخستین همایش ملی فرهنگ و میراث پزشکی اسلام و ایران، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، ص ۳.
- لاریجانی، ب. (۱۳۸۳ ش.). *نگرشی بر اخلاق پزشکی نوین. مجله پژوهش و حوزه*. قم: انتشارات حوزه علمیه، شماره هفدهم و هجدهم، صص ۴۸-۵۰.
- مجلسی، م-ب. (بی تا). *بحارالانوار*. بیروت: دار احیاء التراث، ص ۲۹۹.
- معین، م. (۱۳۷۴ ش.). *فرهنگ فارسی*. تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ هفتم، صص ۹۳۲ و ۱۴۳۴.
- نجم‌آبادی، م. (۱۳۷۱ ش.). *تاریخ طب در ایران*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، جلد اول، صص ۴-۸۳.
- نورانی، م. (۱۳۸۴ ش.). *دایره‌المعارف بزرگ طب اسلامی*. قم: انتشارات ارمغان یوسف، چاپ اول، ص ۱۲۳.

یادداشت شناسه مؤلفان

فرزانه غفاری: دانشیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، دانشکده طب سنتی و دانشکده پیراپزشکی؛ پژوهشگر و معاون گروه تاریخ پزشکی مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران. (نویسنده مسؤل)
پست الکترونیک: ghaffariinfo@gmail.com

مریم رادمنش: دانشجوی PhD طب سنتی، دانشکده طب سنتی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.

محمد تقی حکیم: مدرس حوزه و دانشگاه، متولی و سرپرست کتابخانه آیت... حکیم وابسته به آستان قدس رضوی، تهران، ایران.

محسن ناصری: مرکز تحقیقات کارآزمایی بالینی طب سنتی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران.

Seyed Hossein Hakim: Excellence and Professionalism in Medical Ethics

Farzaneh.Ghaffari

Maryam.Radmanesh

Mohammad Taghi.Hakim

Mohsen.Naseri

Abstract

Iranians or Persians have contributed to ethics, particularly medical ethics from ancient times and this is a historical fact which can be noticed by studying history of medicine in Persian and Islamic world. Persians physicians have specific place in the history of medicine, and one of them is Seyed Hossein Hakim, who was a great physician in 13th century.

Ayatollah Seyed Hossein Hakim; the son of Haj Seyed Ali Shooshtari, who was born and lived in Shooshtar, Khuzistan Province, Iran in 13 century. He went to advance studies in medicine and Shia in Islamic seminaries; he became an Ayatollah and returned to Shooshtar where lived for the rest of his life as a physician and a religious leader. He was in charge of local mosque, served the locals in many different ways.

He managed his patients according to Avicenna's textbook "Canon in Medicine". He was inquisitive and perspicacious. He was very talented and hardworking, and gradually he became a famous expert in medicine. After a while he earned a strong recommendation from Seyed Ali Tabib, one of the authorities in medicine in that region because of his personality and reliability, but also due to his impressive work ethics, and the citizens of Shooshtar asked from him to become the formal physician of their city.

He had special characters including mild manner and due was very humble. So his memories are still alive after so many years.

The purpose of this study is to introduce seyed Hossein Hakim as a physician who showed excellence and professionalism in medicine and medical ethics.

Keywords

Iran and Islam's History, Ethic, Seyed Hossein Hakim